

یادداشت

رهبر از دو قطبی سازی در مذاکرات



رامین فخاری

کارشناس مسائل سیاسی

طی روزهای گذشته و با انتشار اخباری مبنی بر مذاکرات ایران و آمریکا و همچنین مذاکرات احیای برجام در فضای مجازی و فضای سیاسی کشور، دو قطبی سازی هایی صورت گرفته است؛ به طور مثال برخی از نیروهای نزدیک به جریان اصلاحات و اعتدال انتقاداتی را در زمینه احیای برجام پیش کشیده‌اند و عموماً این پرسش را در فضای سیاسی و فضای مجازی کشور مطرح کرده‌اند که اگر برجام ایراد داشت چرا دولت کنونی به دنبال احیای برجام است. البته این مسأله سخن نامربوطی نیست زیرا حامیان دولت فعلی هم اکنون در قبال احیای برجام عملاً سکوت پیشه کرده‌اند در حالی که در دولت گذشته انتقادات تندی را بر برجام و دکتر جواد ظریف به خاطر مسأله امضای برجام متوجه کرده بودند. از طرف دیگر هواداران دولت فعلی نیز ضمن مطرح کردن قراردادهای منطقه‌ای اخیر دولت مستقر و همچنین مذاکرات احیای برجام سعی در انتقاد از عملکرد وزارت امور خارجه دولت سابق دارند. اما موضوعی که باید مطرح شود این است که تمامی این بحث‌ها صرفاً به دو قطبی سازی دامن می‌زند در حالی که مسأله پراهمیت کنونی احیای برجام است. باید این مسأله را در نظر داشت که به همین اندازه که دولت اصولگرایی فعلی به دنبال احیای برجام و رفع تحریم‌هاست یک گام مثبت تلقی می‌شود و انتقادات از گذشته صرفاً به مختل شدن مذاکرات احیای برجام منجر می‌شود. باید اشاره کرد از دو قطبی‌های پیش آمده تنها تندرهای آمریکا و اسرائیل که مخالف احیای برجام است سود می‌برد و ضرر آن متوجه اقتصاد ایران می‌شود. در حال حاضر و با توجه به اوضاع اقتصادی ایران و فشارهایی که به هم‌وطنان وارد شده است هیچ مسأله‌ای مهم‌تر از خود احیای برجام نیست و حاشیه سازی در قبال احیای برجام به رفتن دود آن بر چشم اقتصاد و معیشت مردم ایران منجر می‌شود. در صورتی که برجام احیا شود تاریخ از دکتر محمد جواد ظریف به عنوان امضاکننده برجام و از امیرعبداللهیان و دولت‌های رئیسی به عنوان اشخاصی که در احیای برجام نقش داشته‌اند نام خواهد برد و نقش هیچ کدام از اشخاصی که در امضا و احیای برجام زحماتی را متحمل شده‌اند قابل انکار نیست. سود دو قطبی ظریف – امیرعبداللهیان و یا باری کنی – عراقچی صرفاً به نفع اسرائیل و جریان‌های تندروی جمهوری خواه در ایالات متحده آمریکا است و ضررش متوجه کارگران ایرانی، مستأجران ایرانی و قشر متوسط و فقیر ایرانی است. این مسأله برای اشخاصی که به عمد یا غیر عمد در حال قطبی سازی در رابطه با برجام هستند قابل ذکر است که برای برخی از طبقات ایران به واسطه تحریم‌ها و افزایش قیمت‌ها خرید یک گوشی موبایل هوشمند و یا یک لپ‌تاپ تبدیل به آرزو شده است و رفته رفته این مسأله خود را در حوزه علم و تکنولوژی ایران نشان خواهد داد؛ زیرا تولید علم با قطع‌الکترونیکی ارتباط مستقیم دارد. این موضوع صرفاً کوچک یکی از کوچک‌ترین خسارت‌های تأخیر در احیای برجام است. مسائل عمده‌تری مانند اجاره و یا خرید مسکن اجاره و یا خرید اتومبیل که در همه کشورهای جهان به راحتی انجام می‌شود در ایران مبذل به آرزو شده است. تحریم‌ها مسأله از دواج و فرزندآوری را در ایران با مشکل مواجه کرده و روند زادوولد و ازدواج را منفی کرده است. از تمامی این حرف‌ها باید به این نتیجه رسید که تحریم‌ها همه مردم ایران را بدون استثنا با هر گرایش سیاسی مورد هدف قرار داده و به همین دلیل است که باید گفت مذاکرات احیای برجام جنبه ملی دارد و نباید آن را در سطح شخص و یا دولت تقلیل داد. رفع تحریم‌ها و توسعه اقتصادی ایران در نهایت به نفع هر دو جناح تمام خواهد شد. صرف نظر از اینکه چه کسی این کار را انجام داده است زیرا با توسعه اقتصادی انگیزه فعالیت سیاسی و حزبی در بین توده‌های مردم افزایش خواهد یافت و این مسأله به گشایش‌های سیاسی و اجتماعی در داخل ایران منجر خواهد شد و همه جناح‌های نزدیک به اعتدال گرا و اصلاح طلب از این مسأله سود خواهند برد. از طرف دیگر با افزایش قدرت اقتصادی ایران جناح اصولگرا و محافظه کار نیز پشتوانه قوی‌تری در زمینه اعمال سیاست‌های خود خواهد داشت. احیای برجام برای همه گروه‌ها و جناح‌های ایرانی و همه اشخاصی که در داخل ایران زندگی می‌کنند صرف نظر از گروه‌بندی سیاسی و اجتماعی نوعی برد محسوب می‌شود و صرفاً از دو قطبی سازی این مسأله مخالفان و دشمنان برجام سود خواهند برد. پس بهتر است صرف نظر از اینکه چه کسی این مذاکرات را به پیش می‌برد و یا چه دولتی مذاکرات را به پیش می‌برد احیای برجام یک جنبه ملی پیدا کند و این مسأله مستلزم حمایت همه گروه‌های سیاسی و اقبالر سیاسی و اجتماعی از مذاکرات احیای برجام است. در صورتی که مذاکرات احیای برجام با شکست مواجه شود از یک طرف دولت برای تأمین بودجه خود به مشکل خواهد خورد و همچنین این مسأله به اعتراضات دامن خواهد زد؛ اما صرفاً رئیسی و دولتش نیست که از به ثمر نشستن مذاکرات احیای برجام ضرر می‌بینند زیرا در صورت ادامه روند موجود و عدم وجود امید در انتخابات‌های آینده، احتمالاً انتخابات حد اکثری بر گزار نخواهد شد و بخشی از نیروهای اصلاح طلب و اعتدال گرا نیز از این مسأله ضربه خواهند دید.

خبر

گلایه اردوغان از ایران

رئیس جمهور ترکیه اظهار داشت که در صورت گشایش کردید زنگزور ترکیه، آذربایجان و ایران از طریق این جاده به هم وصل می‌شوند. رجب طیب اردوغان در مورد گشایش کردید زنگزور نیز گفت: باید گفت که مشکل با ارمنستان نیست بلکه مرتبط با ایران است. به عبارت دیگر، دو کشوری با اکثریت جمعیت آنها مسلمان هستند. رویکرد ایران در اینجا هم آذربایجان و هم ما را ناراحت می‌کند. در واقع باید برای آنها هم ناراحت‌کننده باشد. هزینه‌هایی که برای هر واگن دریافت می‌شود، متأسفانه بسیار بسیار بالاست. امیدوارم به زودی بر این مشکل فایز آیم. اگر رویکرد مثبتی به این امر داشتند، امروز ترکیه، آذربایجان و ایران، چه از طریق جاده‌ای و چه از طریق ریلی با یکدیگر ادغام می‌شدند و شاید «خط پکن – لندن» نیز باز می‌شد.

محمد رضا تاجیک در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

جامعه در حال فاصله گرفتن از جریانات سیاسی است



در اپوزیسیون فرهنگ دموکراتیک وجود ندارد

از درون جریان اصلاحات نهالی ارجمند خواهد روید

جریان اصلاحات به بخشی از فضایی تبدیل شده که نسل جدید بر نمی‌تابد



پنجشنبه

۱۴۰۲ . ۰۳ . ۲۵

۲۶ ذی‌القیعده ۱۴۴۴ / ۱۵ ژوئن ۲۰۲۳

سال پنجم

شماره ۱۵۷۴

armanmeli.ir

آرمان ملی – احسان انصاری: اتفاقات رخ داده در ماه‌های پایانی سال ۱۴۰۱ بسیاری از معادلات جامعه ایران را تغییر داد. این در حالی است که به نظر می‌رسد جریان اصلاحات به عنوان یک جریان تفکر ساز و جریان ساز به بن‌بست تئوریک رسیده و در ارائه آلت‌رناتیو برای مشکلات کنونی کشور ناتوان شده است. اتفاقی که درباره اصولگرایان از مدت‌ها زودتر رخ داده بود. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی مهم‌ترین چالش‌های درونی جریان اصلاحات و جامعه ایران با دکتر محمد رضا تاجیک از تئورسین‌های جریان اصلاحات گفت‌وگو کرده است. تاجیک معتقد است: «جریان اصلاحات به صورت فزاینده‌ای به یک مرده رست و سنت‌سترون تبدیل شده است. به همین دلیل نیز با ساز و کارها و آموزه‌های درونی نمی‌توان انتظار تغییر از آن داشت. این جریان متصلب و منجمد شده است. عاملان و حاملان آن نیز به تعبیر اخوان ثالث تبدیل به «شط عقیم» و «باغ بی‌برگی» شده‌اند. دیرزمانی است که از درختان این باغ برگ جوان ارجمندی نمی‌روید و اندیشه جدیدی در فضای گفت‌مانی این جریان مشاهده نمی‌شود. به همین دلیل ما با یک نوع تأخیر تاریخی در جریان اصلاحات مواجه هستیم. جامعه در حال فاصله گرفتن از جریانات مرسوم سیاسی کشور است و به دنبال آلت‌رناتیوها و جریان‌های جدیدی می‌گردد. به صورت طبیعی هرچه این گسل عمیق‌تر می‌شود رادیکالیته و آنتاگونیستی‌تر نیز می‌شود.» در ادامه ما حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

امیدوارکننده نیست. هیچ اراده معطوف به آگاهی و خودآگاهی در جریان اصلاحات مشاهده نمی‌شود که بتوانیم در آینده نزدیک شاهد تغییرات ژرفی در ساخت‌های مختلف کنشگری جمعی اصلاحی و مدنی باشیم. به تعبیر دیگر «به چشم خود دیدم که پارم می‌رود» و یا به عبارت دیگر به چشم خود مشاهده می‌کنیم که سرمایه اجتماعی جریان اصلاحات روز به روز دور و دورتر می‌شود. دلیل اصلی این موضوع نیز این است که جریان‌هایی که باید در این مقطع تاریخ نقش ایفای می‌کردند و فضا را تلطیف می‌کردند در این شرایط تاریخی غایب بودند. این جریان‌ها در درون خود از امکان و استعداد اصلاح برخوردار نبودند و به همین دلیل نمی‌توانستند در جامعه نیز کنش مثبتی داشته باشند.

شما از نسل جدیدی صحبت می‌کنید که از جریان اصلاحات در حال فاصله گرفتن است. این در حالی است که نسل جدید از جنبه‌های مختلف از جریان اصلاحات و جریانات دیگر سیاسی عبور کرده است. آیا نسل جدید از آموزه‌های اصلاح طلبی استفاده کرده اما در نهایت از آن عبور کرده است؟

هنگامی که درباره نسل جدید صحبت می‌کنیم من یک کلیت و تمامیت نمی‌بینم، بلکه در آن نسل‌ها می‌بینم. در درون این نسل‌ها گرایش‌های مختلف وجود دارد. در درون این طیف وسیع نسلی گرایش‌های رادیکال هم مشاهده می‌شود. از سوی دیگر این نسل نمی‌تواند با گروه‌های مرجعی که در گذشته از آنها معنا، اندیشه و هویت می‌گرفته ارتباط برقرار کند. به تعبیر اخوان ثالث این نسل «هوشه برداشته و قدم در راه بی‌فرجام گذاشته است.» از سوی دیگر در درون همین نسل با گرایش‌هایی مواجه هستیم که خواهان تحولات معنادار هستند. این نوع گرایش نمی‌خواهد نظام سیاسی را با چالش شالوده‌شکن مواجه کند و بلکه به دنبال این هستند که فرصت دیگری بدهد که آیا می‌توان در چارچوب همین نظم موجود با نو کردن همین نظم موجود بتوان نگرش و تدبیر دیگری را تجربه کرد. لازمه این اصلاح نیز تغییرات ژرف و خشن و رادیکال نباشد که در فرآیند آن ندانیم با چه پدیده‌هایی مواجه خواهیم شد. ممکن است جامعه در شرایطی قرار بگیرد که فریاد برآورد «امسال دریغ نکنه دیگر این تلاش از پارسل.» این گرایش تلاش می‌کند در فرآیند آن چیزی که رخ می‌دهد دوباره به نقطه‌ای بازنگردیم که ناآی آن بودیم. این تفکر و تأمل بجایی است که نشان از بلوغ فکری این نسل است. سوال این است که چه باید کرد که این تاریخ دچار گسست شود و ما دوباره به نقطه اول بازنگردیم. این وضعیت نیاز به نوعی سعه صدر تاریخی دارد. این در حالی است که نسلی که امروز در جامعه ایران زندگی می‌کند چه از نظر جهانی که با آن مواجه است و چه سرزمینی که در آن زندگی می‌کنند با جمعی از تاریخ‌ها مواجه است. این نسل در جوانی به بلوغ رسیده و چیزی را درک و فهم می‌کند که بسیاری از هم‌نسلی‌های من آن را درک نمی‌کنند. این نسل به دنبال این است که اگر تغییری ایجاد می‌کند در فرآیند آن سوزه وفادار به این تغییر را نیز به وجود بیاورد. در این نسل عده‌ای دیگر مهاجرت گفت‌مانی و هویتی کرده‌اند. این مهاجرت در کنار مهاجرت فیزیکی است که این روزها در کشور

آیا با توجه به اینکه اقبال عمومی نسبت به جریان‌های سیاسی و به خصوص جریان اصلاحات کاهش پیدا کرده و بدنه جریان اصلاحات با ریزش مواجه شده و از سوی دیگر حضور در قدرت برای اصلاح طلبان دشوارتر از همیشه شده باید عنوان کرد جریان اصلاحات به بن‌بست رسیده است؟ جریان اصلاحات در کجای تاریخ خود قرار گرفته است؟

من بر این باور هستم که روح جریان اصلاحات امروز بیش از آنکه روح هملت باشد روح دریدایی هملت است. به این معنا که همواره عزم می‌کند تغییری در خود ایجاد کند و به صورت سیرت دیگری درآید. با این وجود در پایان تلاش‌هایی که انجام می‌دهد چیزی جز همان عزم کردن برایش باقی نمی‌ماند. یک عزم متوالی. اگرچه اتفاقات و حوادث زمانه روح جریان اصلاحات را آزار می‌دهد، اما این رنجش باعث تحول ژرفی در ساخت جریان اصلاح طلبی نشده است. اگر بخواهم بهره‌ای از آدانه از اندیشه‌های مرحوم سید جواد طباطبایی داشته باشم به نظر می‌رسد جریان اصلاحات به صورت

فزاینده‌ای به یک مرده ریگ و سنت‌سترون تبدیل شده است. به همین دلیل نیز با ساز و کارها و آموزه‌های درونی نمی‌توان انتظار تغییر از آن داشت. این جریان متصلب و منجمد شده است. عاملان و حاملان آن نیز به تعبیر اخوان ثالث تبدیل به «شط عقیم» و «باغ بی‌برگی» شده‌اند. دیر زمانی است که از درختان این باغ برگ جوان ارجمندی نمی‌روید و اندیشه جدیدی در فضای گفت‌مانی این جریان مشاهده نمی‌شود. به همین دلیل ما با یک نوع تأخیر تاریخی در جریان اصلاحات مواجه هستیم. جامعه در حال فاصله گرفتن

از جریانات مرسوم سیاسی کشور است و به دنبال آلت‌رناتیوها و جریان‌های جدیدی می‌گردد. به صورت طبیعی هرچه این گسل عمیق‌تر می‌شود رادیکالیته و آنتاگونیستی‌تر نیز می‌شود. در چنین شرایطی اصلاح طلبانی که به مثل گذشته اندر زمانه می‌نویسند جزئی از فضایی هستند که بر سرش جدید آن را بر نمی‌تابد. به همین دلیل بازگشت به جریان اصلاح طلبی سخت و سخت‌تر می‌شود.

در شرایطی که بازگشت به جریان اصلاحات سخت و سخت‌تر می‌شود چه سرنوشتی در انتظار جریان اصلاحات خواهد بود؟ جریان اصلاحات در چه مسیر قرار گرفته است؟

اگر جریان اصلاحات می‌خواهد در آینده جامعه ما نقش ایفا کند باید فلک اندیشه خود را سقف بشکافد و طرحی نو دراندازد. متأسفانه من چنین چیزی را در افق پیش‌روی اصلاح طلبی نمی‌بینم. من اصلاح طلبان رسمی و مرسوم را سنگین پاتر از این می‌بینم که بخواهند و بتوانند طرحی نو دراندازند. در شرایط کنونی آنچه در اندیشه اصلاح طلبان رسمی وجود دارد این است که چگونه می‌توانند در بازی قدرت حضور داشته باشند و سهمی از قدرت را نصیب خود کنند. برخی از اصلاح طلبان گماکان اعتقادی ندارند که اگر قرار است ارتباطی با مردم وجود داشته باشد و با اصلاحی صورت بگیرد باید آن را از قاعده شروع کرد. در چنین شرایطی نمی‌توان انتظار داشت که تحولی جدی در جریان اصلاحات به وجود بیاید. با همه این اوصاف من معتقدم در درون این جریان اصلاحات نهالی ارجمند خواهد روید. ما در آینده از نسل جوان جریان اصلاحات شاهد گفتمان جدید و انبوهه مفاهیم جدیدی خواهیم بود. سوزه جدید و خود آیینی از درون جریان اصلاحات در حال متولد شدن است. در تحلیل نهایی من معتقدم اگر قرار است تغییری در جامعه ایران صورت بگیرد باید یک کنش مدنی باشد. با این وجود این کنش مدنی لزوماً قرار نیست در جریان اصلاحات رخ بدهد. این چیزی که من امروز در افق جریان اصلاحات می‌بینم چندان

افزایش پیدا کرده است. بسیاری دچار مهاجرت گفت‌مانی از فضای سیاسی به فضای زندگی شده‌اند و بیشتر به این می‌اندیشند که چگونه می‌توان شاد زیست. در همین فضای نسلی عده‌ای وجود دارند که نوعی گرایش مذهبی را در دستور کار خود قرار داده‌اند که مانمی‌توانیم آنها را نادیده بگیریم.

گوناگونی گرایش‌ها در بین نسل جدید در نهایت به چه چیزی منجر خواهد شد؟ آیا گرایش‌های مختلف باعث نمی‌شود نسل جدید اتحاد و انسجام گفت‌مانی خود را از دست بدهد؟

این گوناگونی باعث شده که آلت‌رناتیوهای مختلفی نیز در داخل و خارج از کشور برای وضعیت موجود در نظر گرفته شود. در حوادثی که در سال ۱۴۰۱ شکل گرفت ما شاهد انگیزه‌ها و انگیزه‌های متفاوتی بودیم که دارای پایگاه طبقاتی، جنسیتی، قومیت‌ها و خرده فرهنگ‌های مختلف بودیم. در چنین شرایطی اگر جریان اصلاحات نیز به دنبال بازاندیشی خود است باید به این تکرار اجتماعی بپذیرد. این نسل رانمی‌تواند یک تمامیت و کلیت فرض کرد و این کلیت را به همه احاد این نسل تسری داد. در درون نسل جدید نوعی سمفونی برپاست و نه یک ساز نواخته می‌شود. این طبیعت نسل‌های امروزی است که با دنیای مجازی مواجه است و از الگوها و اسطوره‌های جدیدی تأثیر می‌پذیرند. به همین دلیل نیز ما با نوعی آناژشی مواجه هستیم و نه یک امر واحد.

پس از اتفاقاتی که در ماه‌های اخیر در کشور رخ داد جریانی خارج نشین مدعی تغییر در جامعه ایران شده و به نوعی به دنبال تخطئه جریان اصلاحات و ناکار آمد نشان دادن آن بوده که هدف اصلی خود را نیز شکل دهی یک حکومت سکولار در ایران می‌داند. جریانی که از نظر تئوری و نظریه پردازی از فضای جریان اصلاحات برخوردار نیست اما به دنبال جذب هوادار از بین طیف‌های مختلف فکری و سیاسی در جامعه ایران است. به نظر شما این جریان به چه میزان می‌تواند به موفقیت دست پیدا کند؟

این سوال چالش برانگیز و پیچیده‌ای است و پاسخ پیچیده‌ای نیز دارد. البته این‌ها این جریان می‌تواند موفق شود یک سوال بزرگ است. ما باید بپذیریم که مادر خارج از کشور با آلت‌رناتیوهای مختلفی مواجه هستیم. سوال مهمی که درباره این جریان وجود دارد این است که آیا سرمایه اجتماعی که این جریان دارد به این جریان اجازه می‌دهد خود را به عنوان کارگزار تغییر نقش آفرینی داشته باشد؟ به تعبیر گرماسی آیا این جریان می‌تواند همه اشکال و آلت‌رناتیوهای موجود را به عنوان یک کمپ تاریخی گرد هم جمع کند و این بلوک واحد را در شرایط ایجابی قرار بدهد؟ من گمان نمی‌کنم چنین اتفاقی بیفتد و شرایط بسیار سخت‌تر از این است

که چنین جریانی بتواند یک کمپ تاریخی برای تغییر شکل بدهد. نکته دیگر این است که من چنین شیفتی را دموکراتیک نمی‌دانم. این شیفت با توجه به شرایطی که اپوزیسیون خارج از کشور دارد بسیار خشن خواهد بود و با احتمال دخالت کشور‌های خارجی همراه خواهد بود. در چنین شرایطی استقرار نظم نوین با چالش‌های جدی مواجه خواهد شد. امروز سوال مهم این است که به فرض در فرآیند تحولاتی که در ایران رخ خواهد داد ما شاهد چه فضایی خواهیم بود. آیا در بین اپوزیسیون ما نوعی فرهنگ دموکراتیک قرار دارد که در فرآیند تغییرات همه در این فضا حرکت می‌کنند؟ من که چنین باوری ندارم.

ما باید بپذیریم که در فرآیند تغییرات در صورتی که محقق بشود با چالش‌های متعددی مواجه خواهیم بود که یکی از مهم‌ترین آنها امنیت است که با چالش جدی مواجه شود. این وضعیت مانند دوران مشروطه است که مشروطه خواهان به دلیل اینکه به موفقیت نرسیدند با آناژشی مواجه شدند و آرزوی ظهور یک ژنرال چکمه پوش را می‌کردند.

نگره

از میرافلورس تامبدان آزادی؛

در روز دوم سفر رئیسی

به آمریکای لاتین چه گذشت

رئیس جمهور ایران روز سه‌شنبه و در دومین روز از سفر رسمی خود به ونزوئلا در منطقه آمریکای لاتین و به منظور تسهیل حضور گسترده‌تر شرکت‌های دانش بنیان ایرانی و بهره‌مندی بیشتر از ظرفیت‌های بازار ونزوئلا، برنامه خود را با بازدید از نمایشگاه دستاوردهای فعالان دانش بنیان و شرکت‌های خصوصی ایرانی در کاراکاس آغاز کرد. نمایشگاهی که شرکت‌های خصوصی تولید کننده دارو و تجهیزات پزشکی، کشاورزی، دامپروری و ... آخرین دستاوردها و تولیداتی را که در بازار ونزوئلا عرضه کرده‌اند، به نمایش گذاشتند. دومین برنامه رئیسی به بازدید از فروشگاه ایرانی «مگاسیس» کاراکاس اختصاص داشت که به منظور بررسی ظرفیت‌های ونزوئلا برای حضور تولیدکنندگان و عرضه کالاهای تولید ایران به این فروشگاه رفت و با توجه به اهمیت بازار ونزوئلا و صادرات تولیدات و محصولات ایرانی به این کشور، دستوراتی در جهت رفع موانع موجود صادر کرد. فروشگاهی که از مرداد ماه ۱۳۹۹ با افتتاح یک شعبه، کار خود را در کاراکاس آغاز و با هدف تسهیل امور تجاری میان ایران و ونزوئلا و فروش هزاران قلم کالای ایرانی، حدود ۵۰۰ اشتغال مستقیم و غیرمستقیم در کاراکاس ایجاد کرده است. رئیس جمهور در سومین برنامه کاری‌اش در کاراکاس با رئیس و تعدادی از رؤسای کمیسیون‌های مجلس ملی ونزوئلا هم دیدار کرد و در این جمع گفت: تجربیات ایران در تبدیل تهدیدها به فرصت می‌تواند در ونزوئلا نیز مورد استفاده قرار گیرد و شکست توطئه‌های آمریکا علیه ایران و ونزوئلا نشان‌دهنده اهمیت همکاری‌های این دو کشور با یکدیگر است. رئیس مجلس ملی ونزوئلا در این دیدار خطاب به رئیس جمهور کشورمان گفت که ایران از مهم‌ترین کشورها در جهان در حال تحول و عاری از امپریالیسم است و ونزوئلا در مسیر مقابله با امپریالیسم باید ایران را الگوی عملی خود قرار دهد.

◀ واکنش هیجانی نخبگان ونزوئلایی

پایان بخش سفر دو روز رئیس جمهور به ونزوئلا با حضور در دیدار پرشور جمعی از نخبگان و دانشکامیان ونزوئلایی در سالن تئاتر «ترسا» تجربیات ایران در تبدیل تهدیدها به فرصت می‌تواند در ونزوئلا نیز مورد استفاده قرار گیرد و شکست توطئه‌های آمریکا علیه ایران و ونزوئلا نشان‌دهنده اهمیت همکاری‌های این دو کشور با یکدیگر است. رئیس مجلس ملی ونزوئلا در این دیدار خطاب به رئیس جمهور کشورمان گفت که ایران از مهم‌ترین کشورها در جهان در حال تحول و عاری از امپریالیسم است و ونزوئلا در مسیر مقابله با امپریالیسم باید ایران را الگوی عملی خود قرار دهد.

◀ توثیت مادرورو و بدرقه همتای ایرانی از طرف رئیس جمهور ونزوئلا در تویتر به ستایش‌های عالی رتبه، دیدار با رئیس مجلس و جمعی از رؤسای کمیسیون‌های مجلس ملی این کشور، بازدید از نمایشگاه علم و فناوری دستاوردهای ایرانی و آغاز به کار خط تولید دو شرکت خودروساز بزرگ ایران و سخنرانی در جمع جوانان و نخبگان ونزوئلایی و امضا ۱۹ سند همکاری در نهایت با بدرقه وزیر خارجه مادور در فرودگاه بین‌المللی این کشور ونزوئلا را به مقصد «ماناگوا» پایتخت نیکاراگوئه ترک کرد. نیکاراگوئه نخستین کشوری که منشور سازمان ملل را تأیید کرد. هواپیمای حامل رئیس جمهور را که در این سفر حسین امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه، جواد اوجی وزیر نفت، محمد رضا قزاقی آشتیانی وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، بهرام عین‌اللهی وزیر بهداشت و محمد جمشیدی معاون سیاسی دفتر رئیس جمهور، او را همراهی می‌کنند پس از سه ساعت پرواز در فرودگاه ماناگوا بر زمین نشست.

رئیس‌جمهور که به دعوت رسمی دانیل اورنگابه نیکاراگوئه سفر کرده است، در میدان آزادی شهر «ماناگوا» با استقبال گرم همتای نیکاراگوئه قرار گرفت و جانب‌تر اینکه در این مراسم رؤسای سه قوه این کشور و صدها نفر از جوانان حضور داشتند. در این آئین شماری از جوانان نیکاراگوئه سرود ملی جمهوری اسلامی ایران را همخوانی کردند و رئیس‌جمهور نیکاراگوئه از شهید سپهبد سلیمانی تمجید و به احترام ایشان یک دقیقه سکوت اعلام کرد و با ادای احترام به حاج قاسم گفت: «زنه یاد شهید ایران قرانل شهید سلیمانی زنده باد ملت ایران.»